



Discursive Strategies in Confronting Oppression: A Critical Discourse Analysis of the Fourteenth Supplication of Al-Ṣaḥīfa al-Sajjādiyya Based on Fairclough's Approach

Zahra Yareh

Level 4 Student in Family Jurisprudence, Specialized Center for Fiqh and Usul, Jami'at al-Zahra (S.A.), Qom, Iran
z.yareh1179@gmail.com

Abstract

The present study, grounded in the question of how the fourteenth supplication of Ṣaḥīfa al-Sajjādiyya represents the discourse of oppression and resistance through linguistic means, has been conducted using a descriptive-analytical approach based on the theoretical framework of Norman Fairclough's Critical Discourse Analysis. The aim is to identify the linguistic and discursive strategies employed in the representation of oppression, supplication, and modes of confronting it within this foundational prayer. The research method follows Fairclough's three-level model: description, to examine lexical, syntactic, and rhetorical structures; interpretation, to analyze the text's relationship with discursive processes and its intertextuality with the Qur'an and other supplications; and explanation, to explore the dialectical relationship between the text and the social, cultural, and ideological conditions of its era. The findings indicate that the text, through highlighting the oppressor/oppressed binary, repeating key lexical items, and emphasizing active divine agency, reproduces a justice-oriented ideology that delegitimizes oppression. At the interpretive level, it became evident that extensive intertextuality with the Qur'an situates the supplication within the religious discursive order and endows it with an identity-forming function. At the explanatory level, the prayer, by inverting power hierarchies and extending individual suffering into collective demand, establishes a mechanism for social critique and spiritual resistance. It is ultimately concluded that Islamic supplications, such as this one, possess significant potential for discourse-analytic inquiries into justice, power, and identity.

Keywords: Critical Discourse Analysis, Norman Fairclough, Ṣaḥīfa al-Sajjādiyya, Fourteenth Supplication, Oppression.



الاستراتيجيات الخطابية في مواجهة الظلم: تحليل الدعاء الرابع عشر من الصحيفة السجادية وفق المنهج النقدي لفركلاف

زهرا ياره

باحثة علمية في المستوى الرابع، تخصص فقه الأسرة، المركز التخصصي للفقه والأصول التابع لجامعة الزهراء عليها السلام، قم، إيران

البريد الإلكتروني: z.yareh1179@gmail.com

الملخص

تناول هذا البحث، المنطلق من سؤال كيف يمثل الدعاء الرابع عشر من الصحيفة السجادية خطاب الظلم والمقاومة عبر توظيف اللغة، بالمنهج الوصفي-التحليلي القائم على الإطار النظري لتحليل الخطاب النقدي عند نورمان فركلاف. ويهدف إلى تحديد الاستراتيجيات اللغوية والخطابية في تمثيل الظلم والاستغاثة وأساليب مواجهته في هذا الدعاء التأسيسي. ويعتمد منهج البحث على مستويات التحليل الثلاثة عند فركلاف: الوصف لدراسة البنى المعجمية والنحوية والبلاغية؛ والتفسير لتحليل علاقة النص بالعمليات الخطابية والتناسخ القرآني والدعائي؛ والتبيين لاستجلاء العلاقة الجدلية بين النص والظروف الاجتماعية والثقافية والإيديولوجية لعصر إنتاجه. وقد أظهرت النتائج أن النص، عبر إبراز ثنائية الظالم /المظلوم، وتكرار المفردات المفتاحية، والتأكيد على الفعل الإلهي الفعال، يعيد إنتاج إيديولوجية مركزها العدالة وتجريد الظلم من الشرعية. وعلى مستوى التفسير، تبين أن التناسخ الواسع مع القرآن يثبت الدعاء في النظام الخطابي الديني ويمنحه وظيفة هوياتية. وعلى مستوى التبيين، يُحدث الدعاء، بقلبه لهرمية السلطة وتعميمه للألم الفردي في مطلب جماعي، آلية للنقد الاجتماعي والمقاومة المعنوية. وخلاصة القول إن الأدعية الإسلامية، كهذا الدعاء، تمتلك قدرة مهمة للتحليلات الخطابية المرتبطة بالعدالة والسلطة والهوية. الكلمات المفتاحية: تحليل الخطاب النقدي، نورمان فركلاف، الصحيفة السجادية، الدعاء الرابع عشر، الظلم.

استراتژی‌های گفتمانی در مواجهه با ستم: واکاوی دعای چهاردهم صحیفه سجادیه با رویکرد انتقادی فرکلاف

زهرا یاره

دانش پژوه سطح ۴، فقه خانواده، مرکز تخصصی فقه و اصول جامعه الزهراء (ع)، قم، ایران
z.yareh1179@gmail.com

چکیده

مقاومت را بازنمایی می‌کند، با رویکردی توصیفی-تحلیلی و مبتنی بر چارچوب نظری تحلیل گفتمان انتقادی نورمن فرکلاف انجام شده است. هدف، تبیین استراتژی‌های زبانی و گفتمانی در بازنمایی ستم، استغاثه و شیوه‌های مواجهه با آن است. روش تحقیق بر سه سطح تحلیل فرکلاف استوار است: توصیف برای بررسی ساختارهای واژگانی، نحوی و بلاغی؛ تفسیر برای تحلیل ارتباط متن با فرایندهای گفتمانی و بینامتنیت قرآنی و ادعیه‌ای؛ و تبیین برای واکاوی رابطه دیالکتیکی متن با شرایط اجتماعی، فرهنگی و ایدئولوژیک عصر تولید آن. یافته‌ها نشان داد که متن با برجسته‌سازی دوگانه ظالم/مظلوم، تکرار واژگان کلیدی و تأکید بر کنش فعال الهی، ایدئولوژی عدالت‌محور و مشروعیت‌زدا از ظلم را بازتولید می‌کند. در سطح تفسیر، بینامتنیت گسترده با قرآن، دعا را در نظم گفتمانی دینی تثبیت کرده و کارکرد هویتی می‌بخشد. در سطح تبیین، دعا با وارونگی سلسله‌مراتب قدرت و تعمیم رنج فردی به مطالبه جمعی، سازوکاری برای نقد اجتماعی و مقاومت معنوی ایجاد می‌کند. نتیجه آنکه ادعیه اسلامی ظرفیت مهمی برای تحلیل‌های گفتمانی مرتبط با عدالت، قدرت و هویت دارند.

کلیدواژگان: تحلیل گفتمان انتقادی، نورمن فرکلاف، صحیفه سجادیه، دعای چهاردهم، ستم.

مقدمه

زبان در متون دینی تنها وسیله انتقال معنا نیست، بلکه بستر بازتولید قدرت، ایدئولوژی و هدایت ذهنیت جمعی است. در سنت شیعی، ادعیه - به ویژه صحیفه سجاده - علاوه بر کارکرد معنوی، حامل لایه‌های اجتماعی و سیاسی‌اند که با شرایط اختناق عصراموی پیوند دارند. این مجموعه منسوب به امام سجاد علیه السلام به سبب عمق معارف خود «زبور آل محمد»، «انجیل اهل بیت» و «اخت القرآن» نام گرفته است (اصفهانی، ۱۳۷۶، ص ۳) و از سوی روایانی چون امام محمد باقر علیه السلام، زید بن علی علیه السلام، یحیی بن زید و متوکل بن هارون نقل شده است (آیتی، ۱۳۷۵، ص ۱۵). دعای چهاردهم با موضوع «استغاثه از ستم و تظلم»، نمونه‌ای شاخص از کاربری زبان در مواجهه معنوی و اجتماعی با سلطه است و با بازتعریف هویت مظلوم، بیان رابطه قدرت، مقاومت و عدالت الهی، و احیای مفاهیم قرآنی، کارکردی فراتر از نیایش فردی می‌یابد.

پیوند گسترده آن با قرآن و سنت ادعیه - همچون ساختار «یا من...»، تعبیر «لا یخفی علیه» و «نصر الله قریب» و مفاهیمی چون قضا، قدر، عدل و صبر - متن را در «نظم گفتمانی دینی» قرار داده و حافظه جمعی عدالت محور را تقویت می‌کند. مناسب‌ترین چارچوب برای تحلیل این سازوکارها، الگوی سه سطحی فرکلاف است که سطوح «توصیف»، «تفسیر» و «تبیین» را برای واکاوی ابعاد زبانی، ایدئولوژیک و اجتماعی فراهم می‌سازد. مرور پیشینه نیز نشان می‌دهد که با وجود

تلاش‌هایی چون پژوهش‌های فخرآرا و همکاران (۱۴۰۴)، محمدی و همکاران (۱۴۰۳)، شریفی اسدی و ناصح ستوده (۱۴۰۱)، کاظمی و همکاران (۱۴۰۲)، خاکپور و لطفی (۱۳۹۸) و آفاگل‌زاده (۱۳۸۶)، پژوهشی جامع و مبتنی بر الگوی فرکلاف درباره دعای چهاردهم ارائه نشده است.

۱. روش‌شناسی

روش تحقیق این مطالعه کیفی و مبتنی بر الگوی تحلیل گفتمان انتقادی نورمن فرکلاف است؛ الگویی که با تأکید بر رابطه میان زبان، قدرت و ایدئولوژی، امکان کشف لایه‌های پنهان معنا در متون دینی را فراهم می‌کند. با توجه به اینکه دعا ماهیتی ارتباطی و اجتماعی دارد و در بستر مناسبات قدرت معنا می‌یابد، بهره‌گیری از تحلیل چندسطحی ضرورت می‌یابد. در این پژوهش، دعای چهاردهم صحیفه سجاده در سه سطح بررسی شده است: در سطح توصیف، عناصر واژگانی، نحوی و بلاغی از جمله بسامد واژگان مؤثر، تقابل‌های معنایی و الگوهای تکرار تحلیل گردید. در سطح تفسیر، متن با بافت تاریخی و اجتماعی عصر امام سجاده علیه السلام و روابط بینامتنی آن با قرآن و سنت ادعیه سنجیده شد. در سطح تبیین نیز مناسبات کلان قدرت و نقش دعا در بازنمایی هویت مظلوم و مواجهه با سازوکارهای سلطه تحلیل شد. این رویکرد سه سطحی فهمی جامع از کارکردهای معنایی و گفتمانی دعا به دست می‌دهد.

۲. مبانی نظری

در تحلیل گفتمان انتقادی، رویکرد «دیدگاه روایی» با گسترش سطح تحلیل فراتر از جمله محوری، فرایندهای ارتباطی متن را در پیوند با قدرت، ایدئولوژی و بافت اجتماعی بررسی می‌کند و بر چهار سطح عبارت‌شناختی، مکانی، زمانی، ایدئولوژیک و روان‌شناختی استوار است (آقاگل‌زاده، ۱۳۸۶، ص ۲۵). تحلیل گفتمان انتقادی نیز با تأکید بر رابطه قدرت، زبان و ایدئولوژی، سازه‌های کلان متن را واکاوی می‌کند (میلز، ۱۳۸۲، ص ۱۷۱). نظریه سه سطحی فرکلاف شامل «توصیف»، «تفسیر» و «تبیین» - امکان آشکارسازی ایدئولوژی پنهان را فراهم می‌سازد (ایرانخواه و دیگران، ۱۳۹۴، ص ۳) و زبان را عامل تثبیت نظام‌های اجتماعی می‌داند (آقاگل‌زاده، همان، ص ۷). در این الگو، متن محصول شرایط اجتماعی و فرهنگی است (فرکلاف، ۱۳۷۹، ص ۹۱-۱۱۷؛ نصیری و طالبیان، ۱۴۰۱، ص ۳۶۰). در این میان، مفاهیمی همچون «نظم گفتمان» نزد میشل فوکو^۱ و نظریه «هژمونی» گرامشی^۲ نقشی اساسی در شکل‌گیری مبانی نظری این رویکرد ایفا کرده‌اند.

۳. دعای چهاردهم صحیفه سجادیه و الگوی تحلیل انتقادی نورمن فرکلاف

در این بخش، دعای چهاردهم صحیفه سجادیه بر اساس سطوح مختلف الگوی تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف مورد بررسی و واکاوی قرار می‌گیرد.

1 Michel Foucault.

2 Gramsci.

۱.۳. دعای چهاردهم صحیفه سجاده‌ای در سطح توصیف

در سطح توصیفی تحلیل گفتمان، بافت متن و روابط منطقی میان واژگان بر اساس شاخص‌های فرکلاف بررسی می‌شود و عناصر زبانی همچون واژگان، نحو و سازمان متن تحلیل می‌گردد. مهم‌ترین مؤلفه‌ها شامل روابط معنایی واژگان در سه صورت شمول معنایی، هم معنایی و تضاد معنایی، ابعاد استعاری، کاربرد ضمائر، بسامد جملات معلوم و مجهول، توزیع جملات مثبت و منفی، انواع وجه‌های زبانی و شیوه‌های پیوند جمله‌هاست (فرکلاف، ۱۳۷۹، ص ۱۶۷). در این میان، شمول معنایی رابطه‌ای است که معنای واژه را در حوزه واژه عام ترقار می‌دهد (شجاع رضوی، ۱۳۸۶، ص ۱۷). در دعای چهاردهم نیز امام سجاده علیه السلام با «یا»، «إلهی» و «اللَّهُمَّ» به پروردگار خطاب می‌کند؛ زیرا در موقعیت ظلم، به او پناه می‌برد (صفوی، ۱۳۸۲، ص ۱۰۶). هم معنایی در هم جواری واژگانی چون «الْمُتَظَلِّمِينَ» و «الْمَظْلُومِينَ» دیده می‌شود و تضاد معنایی در تقابل‌هایی مانند «ظُلْمِي / حَقِّي» و «رَضَّيْنِي / هَلَّعْ» ظهور می‌یابد که به مرزبندی هویتی و تقویت گفتمان مقاومت می‌انجامند (احمدی، ۱۳۸۸، ص ۶۸۶). این تقابل‌ها در سطوح گفتمانی و ایدئولوژیک نیز عمل کرده و مطابق دیدگاه مک‌دانل، نشان می‌دهند که گفتمان‌ها در بستر تضاد و مواجهه شکل می‌گیرند (مک‌دانل، ۱۳۸۰، ص ۱۱۲).

۱.۱.۳. بررسی لایه واژگانی

در تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف، سطح واژگانی از اهمیت ویژه برخوردار

است؛ زیرا بسامد واژگان بازتابی از گفتمان مسلط جامعه بوده و شبکه‌های معنایی حاصل از هم‌نشینی واژگان، انسجام کلی متن را شکل می‌دهند؛ از این رو واژه‌ها در چارچوب این شبکه‌ها تحلیل می‌شوند (جرجانی، ۱۹۹۷، ص ۸۷). بررسی استعاره‌های واژگانی نیز ضروری است، چراکه استعاره فرایند انتقال و ساده‌سازی مفاهیم پیچیده را تسهیل می‌کند (جرجانی، ۲۰۰۵، ص ۴۱). در دعای چهاردهم، استعاره‌هایی چون «إِنْتَهَكُهُ» و «حَجَزَتْ» در عبارت «إِنْتَهَكُهُ مِنِّي مِمَّا حَجَزَتْ عَلَيْهِ» ظلم را به تجاوز از مرزهای فیزیکی تشبیه می‌کنند. همچنین استعاره «إِفْلُ حَدَّة» در جمله «خُذ ... أَفْلُ حَدَّة عَتَى بِقُدْرَتِكَ» قدرت ظالم را به «تیغ» و خلع آن را به «کُند کردن» ابزار جنگی مفهوم‌سازی می‌کند. در فراز «تَكُونُ مِن غِیْظِي ... حَنْقِي عَلَيْهِ»، «غِیْظ» در قالب بیماری و «حَنْق» در قالب بدهی تصویر شده است. در بُعد ضمائر، صنعت «الْتِفَات» در تغییر ضمیر از غایب به مخاطب در «مَا نَالَنِي ... نِعْمَتِكَ عِنْدَهُ ... أَلَلَّهُمْ ... خُذ ظَالِمِي» بُعد عاطفی متن را تقویت می‌کند. نیز کاربرد فعل مفرد «يَحْتَاجُ» برای اسم جمع غیرعاقل «قَصَص» در عبارت «وَايَا مَنْ لَا يَحْتَاجُ فِي قَصَصِهِمْ ...» از ویژگی‌های بلاغی متن به شمار می‌رود.

۲.۱.۳. سطح دستوری متن

در رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف، جنبه‌های دستوری نقش مهمی در بازنمایی نگرش گوینده دارند؛ زیرا گزینش‌های صوری متن حاصل

انتخاب‌های آگاهانه از میان امکانات دستوری و واژگانی است و ساختار کلی معنا را سامان می‌دهد (پهلوان‌نژاد، ۱۳۸۷، ص ۴۱). در دعای چهاردهم صحیفه سجاده‌به، کاربرد هدفمند جملات معلوم و مجهول کارکردهای معنایی متفاوتی دارد: افعالی چون «حَبَزَتْ» و «اجْعَلْ» در وجه اخباری به تبیین ظلم و برجسته‌سازی موضع امام علیه السلام کمک می‌کنند و بسامد بالای این وجه، قطعیت گزاره‌ها را افزایش می‌دهد (جفریز، ۱۴۰۳، ص ۱۱۵). در مقابل، افعال مجهول مانند «ما أَدْخَلَ» فاعل پنهان را قدسی می‌سازند. جملات نفی مانند «لَا تُسَوِّغْ لَهُ ظُلْمِي» و «لَا تَفْتِنَنِي بِالْقُنُوطِ» - مرزبندی معنایی عدالت و ظلم را تقویت کرده و نقشی مقاومتی دارند؛ در حالی که جملات اثبات نظیر «خُذْ ظَالِمِي» و «اهْدِنِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ» بُعد ایجابی عدالت‌سازی را برجسته می‌کنند. نظم معنایی دعا بر محور «نفي ظلم / اثبات عدالت» شکل گرفته و با تکرارهای ساختاری، واژگانی و فعلی، انسجام متن را پدید می‌آورد (فرکلاف، ۱۳۷۹، ص ۱۹۹؛ ابراهیم حلوه، ۲۰۱۲، ص ۲۰). این تکرارها، الگوهایی چون «يَا مَنْ + جمله وصفی» و نام‌های پرتکرار «ظلم، ظالم، مَظْلُوم» را می‌سازند و تصویری از خداوند به عنوان داور عادل و ناصر مظلوم ارائه می‌دهند. افزون بر این، سجع‌های متوازن مثل «شِفَاءٌ / وَفَاءٌ» و نمونه‌های متوازی همچون «بَطْرًا فِي نِعْمَتِكَ عِنْدَهُ وَ اغْتِرَارًا بِنَكِيرِكَ عَلَيْهِ»، موسیقی متن و تأکید مفهومی دعا را تقویت می‌کنند (باقرالموسوی، ۲۰۰۲، ص ۴۶).

۲.۳. دعای چهاردهم صحیفه سجادیه در سطح تفسیر

براساس دیدگاه فرکلاف، فرایند تفسیر نتیجه تعامل دیالکتیکی میان متن و ذهنیت مفسر است؛ تعاملی که در آن دانش زمینه‌ای نقش محوری دارد و ویژگی‌های صوری متن به منزله سرنخ‌هایی عمل می‌کنند که این دانش را فعال کرده و «شیوه‌های تفسیر» را سامان می‌دهند (فرکلاف، ۱۳۷۹، ص ۲۱۵). در این مرحله، مفسر با تحلیل پیش‌فرض‌های متن و مقایسه آن‌ها با متون پیشین و هم‌دوره، به بازسازی معنا و تعیین جایگاه گفتمانی متن می‌پردازد. در تحلیل دعای چهاردهم صحیفه سجادیه نیز سطح تفسیر از طریق بررسی بافت موقعیتی و عناصر بینامتنیت روشن می‌کند که متن چگونه با اتکا به زمینه‌های دینی، تاریخی و گفتمانی، معنای خویش را تولید و تثبیت می‌سازد.

۲.۳.۱. بافت موقعیتی

بافت زمانی این دعا به دوران امامت امام سجاد علیه السلام بازمی‌گردد که ایشان این دعاها را در موقعیت‌های مختلف با خداوند مناجات می‌کردند. راویان این دعاها فرزندان امام سجاد هستند که به نسل‌های بعد از خود آموزش داده‌اند. بافت مکانی اثر شهر مدینه است که مرکز اصلی فعالیت‌های امام بود.

۲.۳.۲. بینامتنیت

از نظر فرکلاف، هر متن در بستر پیشینه تاریخی خود شکل می‌گیرد و تحلیل بینامتنی وابستگی آن را به یک مجموعه تاریخی خاص آشکار می‌کند. به این



ترتیب، معنا برپایه زمینه‌ها، مفروضات و دانش مشترک میان مشارکان ارتباط تولید می‌شود (فرکلاف، ۱۳۷۹، ص ۱۲۲). در دعای مورد بحث نیز امام علیه السلام با ایجاد پیوندهای بینامتنی با آیات قرآن و دیگر متون زیارتی، به پویایی و غنای گفتمان می‌افزایند. نمونه‌هایی از این پیوندها عبارتند از:

۱- عبارت «یا مَنْ لا یخفی علیه...» بازتاب آیه «لا یخفی علیه شیء» (آل عمران: ۵).

۲- عبارت «قَرَّبْتُ نُصْرَتَهُ مِنَ الْمَظْلُومِينَ» یادآور آیه «إِنَّ نَصْرَ اللَّهِ قَرِيبٌ» (بقره: ۲۱۴).

۳- واژه «إِجَابَةُ الْمُضْطَرِّينَ» بازتاب مستقیم آیه «أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَا» (نمل: ۶۲).

شباهت‌های سبکی با ادعیه‌ای چون کمیل، ابوحمزه و عرفه-مانند سجع، صلوات مکرر، افعال امرو ساختار شکایت به خدا-دعا را در بستر سنت ادعیه اسلامی جای می‌دهد. این متن با بهره‌گیری از عناصر بلاغی چون سجع متوازن، استعاره‌های دینی و خطاب مستقیم «اللهم»، آن را در سنت ادبی-بیانی عربی تثبیت می‌نماید.

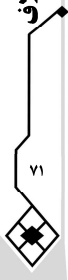
۳.۳. دعای چهاردهم در سطح تبیین

در نظریه فرکلاف، مرحله تبیین گفتمان را در بستریک فرایند اجتماعی بررسی می‌کند و نشان می‌دهد که گفتمان چگونه تحت تأثیر ساختارهای اجتماعی

شکل می‌گیرد و خود نیز قادر است این ساختارها را بازتولید یا دگرگون کند. پیامدهای گفتمان فقط زبانی نیست، بلکه به سطح اجتماعی و الگوهای مسلط نیز گسترش می‌یابد. در این چارچوب، تولید گفتمان رابطه میان تفسیر و تبیین را برقرار می‌سازد؛ تفسیر بر کاربرد دانش زمینه‌ای در فهم متن متمرکز است، در حالی که تبیین به بنیان‌های اجتماعی این دانش و نقش آن در بازتولید یا تغییر آن می‌پردازد (فرکلاف، ۱۳۷۹، ص ۲۴۵). گفتمان امام علیه السلام کنشی اجتماعی در برابر قدرت حاکم است که در تلاش است قدرت و ایدئولوژی حاکم بر جامعه را تغییر دهد. در تبیین گفتمان مفاهیمی مانند قدرت، ایدئولوژی و هژمونی تحلیل می‌شوند (محسنی و پروین، ۱۳۹۴، ص ۱۹).

۱.۳.۳. ایدئولوژی و قدرت

در تحلیل گفتمان انتقادی، ایدئولوژی و قدرت عناصر بنیادین‌اند؛ زیرا هر گفتمان در نسبت با جهان‌بینی قدرت مسلط شکل می‌گیرد و می‌تواند تقویت‌کننده یا معارض آن باشد، از این رو کارکرد ایدئولوژیک متن در این رویکرد امری محوری تلقی می‌شود (ون دایک، ۱۳۸۷، ص ۸۹). دعا نیز در سطح اجتماعی نوعی کنش زبانی و حتی کنش اصلاحی به‌شمار می‌آید که در چارچوب امر به معروف و نهی از منکر عمل کرده و می‌تواند در جهت‌دهی فکری جامعه نقش‌آفرین باشد. امام سجاد علیه السلام در دعای چهاردهم با معرفی ویژگی‌های ظالمان و تبیین صفات آنان، گفتمانی معطوف به احیای ارزش‌های قرآنی و



اصلاح فضای فکری جامعه پدید می‌آورند.

در این دعا ساختار قدرت بازآرایی می‌شود: ظالم ظاهراً «قوی» با عباراتی مانند «وَاجْعَلْ لَهُ شُغلاً فِيمَا يَلِيهِ وَعَجْزاً عَمَّا يُنَاقِيهِ» به «ناتوان» تبدیل می‌شود و مظلوم ظاهراً «ضعیف» در جایگاه صاحب حق و مورد حمایت الهی معرفی می‌گردد: «يَا مَنْ قَرَّبْتَ نَصْرَتَهُ مِنَ الْمَظْلُومِينَ». این وارونگی، ایدئولوژی ای ضد سلطه را بازنمایی می‌کند که در آن قدرت حقیقی نه در اختیار ستمگر، بلکه در يد قدرت الهی است.

به کارگیری عبارت «فلان بن فلان» نیز تکنیکی گفتمانی است که با حذف نام شخص، مصداق را «قابل تعمیم» ساخته و شکایت را از سطح فردی به سطح ساختاری ارتقا می‌دهد؛ بدین ترتیب متن بستری برای گفتمان مقاومت فراهم کرده و امکان نقد وضع مسلط را بدون تصریح فردی ممکن می‌سازد.

۲.۳.۳. تبیین رابطه شمولی در متن دعای چهاردهم

بیان معارف جایگاه امام سجاده علیه السلام در قالب دعا، نشان‌دهنده نیاز جامعه به شناخت ظالم و وظایف مقابله با آن در دوران امام علیه السلام است. اگرچه دعا امام علیه السلام دارای جنبه اخلاقی و عرفانی بوده است، گرچه این شمول درونی زبانی است، در متن نشانه‌های آن دیده می‌شود. مانند ساختارهای خطاب «اللهم...» و ترکیب‌های قرآنی (مثل یوم الفصل، ظلم، قنوط) این نشانه‌ها بیان می‌کنند که دعا بخشی از یک «کل سنت نیایشی» است.

ساختارهای «یا من لا یخفی علیه أنباء المتظلمین» یا «یا من قربت نصرته من المظلومین»، «افلل حدّه بقدرتک» و «خذ ظالمی بقوتک»، خداوند را به عنوان ناظر، قاضی، ناصرو صاحب قدرت کل معرفی کرده است. بنابراین کل نظام معنایی دعا در «کلان قدرت الهی» شمول می‌یابد.

امام علیه السلام در این دعا به فراخور، معارف متعددی را مطرح کرده‌اند و به منظور تعمق باورهای عظیم دینی در نهاد مستمعان بیدار دل، گهگاه از ابزارهای زبانی، لغوی و بلاغی به عنوان بخشی از زیرساخت‌های تصویرگرانه گفتمانی برای ارائه تصویری شفاف از حکومت ظالم استفاده کرده است. همین کاربرد هدفمند از مکانیزم‌های گفتمان انتقادی، سهمی روشن در تبیین هرچه شفاف‌تر حکومت جور و قیام امام حسین علیه السلام دارد.

نتیجه‌گیری

دعای چهاردهم صحیفه سجادیه در این پژوهش نه یک نیایش فردی، بلکه کنشی گفتمانی و آگاهانه در بستر تاریخی-اجتماعی عصر امام سجاده علیه السلام تلقی می‌شود؛ کنشی که با بهره‌گیری از زبان دعا، عدالت‌خواهی و هویت‌سازی مظلوم را سامان داده و آن را به متنی ایدئولوژیک و مقاومت‌آفرین بدل می‌سازد. تحلیل زبانی و بلاغی متن نشان می‌دهد که عناصر واژگانی، تقابل‌های معنایی، روابط شمولی، استعاره‌ها و جابه‌جایی ضمائر، دوگانه «مظلوم/ظالم» را برجسته کرده و با کاربرد افعال امر، ساخت‌های معلوم و مجهول، و بسامد چشمگیر نفی و اثبات،



چارچوب معنایی عدالت، امید و مقاومت را شکل می‌دهند.

از سوی دیگر، بافت بینامتنی دعا، با حضور ساختارهای نیایشی، تعبیرقرآنی و مفاهیم اخلاقی-الهیاتی، متن را در دل «نظم گفتمانی دینی» قرار داده و در بازتولید حافظه جمعی و تقویت گفتمان عدالت نقش آفرین است. در سطح تبیین اجتماعی نیز دعا کنشی انتقادی به شمار می‌آید که با تضعیف جایگاه ظالم، تقویت هویت اخلاقی مظلوم و تبدیل رنج فردی به مطالبه‌ای اجتماعی، توازن قدرت را به چالش کشیده و الگوی مؤثری برای مقاومت معنوی و بازسازی هویت ایمانی عرضه می‌کند.

منابع و مآخذ

- *قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی.
- *صحیفه سجادیه، علی بن حسین، اصفهانی، علی نقی، محقق: افشاری زنجانی، عبدالرحیم، تهران: نشر فقیه، چاپ دوم، ۱۳۷۶.
- *صحیفه سجادیه، علی بن حسین، آیتی، عبدالمحمد، تهران: نشر سروش، چاپ دوم، ۱۳۷۵.
۱. ابراهیم حلوه، نوال بنت (۲۰۱۲). أثر التکرار فی التماسک النصی نقاربه معجمیه تطبیقه فی ضوء مقالات د. خالد منیف (العدد الثامن). مجلة جامعة أم القرى لعلوم اللغات و آدابها، ۱۵-۷۲.
۲. احمدی، بابک (۱۳۸۸). ساختار و تأویل متن. تهران: مرکز.
۳. ایرانخواه، امید و دیگران (۱۳۹۴). گفتمان انتقادی، رویکرد نورمن فرکلاف. اولین کنگره علمی پژوهشی سراسری توسعه علوم تربیتی و روانشناسی، جامعه شناسی و علوم فرهنگی اجتماعی، ۱۱۰-۱۳۲.
۴. آقاگل زاده، فردوس (۱۳۸۶). تحلیل گفتمان انتقادی و ادبیات. ادب پژوهی، شماره ۱، ۲۰۷-۲۳۳.
۵. باقرالموسوی، محسن (۲۰۰۲). المدخل الی علوم نهج البلاغة (الطبعة الاولى). بیروت: دارالعلوم.
۶. پهلوان نژاد، محمدرضا، ناصری مشهدی، نصرت (۱۳۸۷). تحلیل متن نامه‌ای از تاریخ بیهقی با رویکرد معنی شناختی کاربردی "نامه سران تگین آباد".



- زبان و ادبیات فارسی، سال ۱۶، شماره ۶۲، ۳۷-۵۸.
۷. جرجانی، عبدالقاهر (۲۰۰۵). اسرار البلاغه. تحقیق محمد الإسکندری، بیروت: دارالکتب العربی.
۸. — (۱۹۹۷). دلائل الإعجاز. شرح و تعلیق محمد التنجی، بیروت: دار الکتب العربی.
۹. جفریز، لسلی (۱۴۰۳). سبک‌شناسی انتقادی. ترجمه علیرضا نبی‌لوو فرشته دادخواه، تهران: امیرکبیر.
۱۰. شجاع رضوی، سعیده (۱۳۸۶). جنسیت و شمول معنایی. فصلنامه پازند، سال سوم، شماره ۱۰، ۶۵-۷۴.
۱۱. فرکلاف، نورمن (۱۳۷۹). تحلیل گفتمان انتقادی. ترجمه فاطمه شایسته پیران و دیگران، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
۱۲. محسنی، علی‌اکبر، پروین، نورالدین (۱۳۹۴). بررسی گفتمان انتقادی در نهج البلاغه براساس نظریه نورمن فرکلاف (مطالعه موردی توصیف کوفیان). پژوهش‌نامه علوی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال ششم، شماره دوم، ۱۳۳-۱۵۶.
۱۳. مک‌دافل، دایان (۱۳۸۰). مقدمه‌ای بر نظریه‌های گفتمان. ترجمه حسین علی‌نوذری، تهران: فرهنگ گفتمان.
۱۴. میلز، سارا (۱۳۸۲). گفتمان. ترجمه فتاح محمدی، زنجان: هزاره سوم.
۱۵. نصیری، پریسا، طالبیان، یحیی (۱۴۰۱). نگاهی انتقادی بر نفثه المصدا را از

منظر تحلیل گفتمان نورمن فرکلاف. پژوهش‌های بین رشته‌ای ادبی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۳۶۰-۳۸۶.

10.30465/lir.2021.35065.1266

۱۶. ون دایک، تئون (۱۳۸۷). مطالعاتی در تحلیل گفتمان از دستور متن تا گفتمان کاوی انتقادی. مترجم: شعبان بهرام‌پور، محمد جواد غلامرضا کاشی، علیرضا خرمایی، تژا میرفخرایی، تهران: دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها.